

تصویرگری «لا» در شعر سنایی و خاقانی

افشار عزیزی دولت آبادی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۵

علی حسین رازانی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۳۰

کبری بهمنی***

علیرضا فاطمی****

چکیده

مضمون آفرینی و تصویرگری شاعران با حروف سابقه طولانی دارد. اغلب شاعران در بکاربردن حروف در تصویرگری‌ها جهت خلق مضامین، به شیوه‌ای زیبا و شورانگیز، نهایت تلاش خود را به کار گرفته‌اند. هر شاعری به نوبه خود در ابداع و خلق شگفتی‌های جدید، ابداعات بکر و نوع آوری‌های خاص در این وادی قدم برداشته است. سنایی و خاقانی از جمله شاعرانی هستند که با قریحه شاعری خویش این هنر را به غایت خود رسانده‌اند؛ به گونه‌ای که خواننده را به تفکر در خلق تصاویر شگفت غرق می‌کنند. آن‌ها با بهره‌گیری از پدیده‌ها و استعمال معانی نمادین و اسطوره‌ای از آنچه در محیط پیرامون خود دیده‌اند، شگفتی آفریده‌اند. این دو شاعر با خصوصیات منحصر به فردی که یکی از آن‌ها مضمون آفرینی و تصویرگری‌های زیبا با واژه‌ها و حروف است و با این کار ضمن نوآوری و خلاقیت، بر اهمیت شعر خود افزوده‌اند. **کلیدواژگان:** سنایی، خاقانی، ابداع، مضمون آفرینی، صور خیال.

iliazazy@gmail.com

Dr_razani@yahoo.com

* دانشجوی دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود، ایران.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود، ایران.

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود، ایران.

**** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود، ایران.

نویسنده مسئول: افشار عزیزی دولت آبادی

مقدمه

«قدرت تصویرسازی مهم‌ترین قسمت قدرت تخیل است. قدرت تخیل، یعنی شور و هیجانی کامل که به کار می‌افتد تا احساس‌ها و اشیا و تجربیات مختلف و متعلق به زمان‌ها و مکان‌های مختلف را در یک لحظه خاص در کنار هم جمع می‌کند و یا بر روی یکدیگر منطبق نماید و در لحظه‌ای زمانی بیکران و در مکانی محدود، سرزمینی پهناور را ارائه دهد. قدرت تخیل، فقط آن قدرت سرکش گریز از مرکز و پراکنده کننده نیست، بلکه قدرتی است جهت تلفیق حالات مختلف و برداشت‌های گوناگون از ادراک انسان از طبیعت» (براهنی ۱۳۴۴: ۶۳). از آنجا که شاعران (از رودکی گرفته تا دوره‌های بعد) در خلق مضامین نهایت تلاش خود را به کار برده‌اند، خوانندگان نیز در اندیشه نامگذاری و وضع قواعد آن‌ها برآمدند. «اگر قصاید سنایی را ملاک قرار دهیم، در عصر خویش همان کاری را کرده است که بهار در عصر ما کرده است، یعنی حال و هوای تازه‌ای را وارد یک ساختار سنتی کرده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۲۲). گرچه، در اندیشه شاعرانی چون سنایی و خاقانی گستره‌ای می‌گذرد که تبیین آن نیز لازمه اندیشه‌ای تواناست. وجهی از این مضمون آفرینی‌های بدیع، برجسته سازی برخی از حروف است که حرف «لا» نیز که تا حد زیادی منبعث از جمله معنوی لا اله الا الله است در این وادی سهمی به خود اختصاص داده است. این شیوه بازی با حروف در شعر شاعرانی که رقابت برای جلب ممدوح در آن‌ها بیش‌تر است، دشوارتر و پر تکلف‌تر بیان شده است:

هیچ سائل به خشنودی و بخشم لا در ابروی او ندیده بچشم

(سنایی، ۱۳۲۹: ۱۹۳)

«لا»ی نفی ماسوی الله سالک را به چهار بالش وحدت می‌کشاند سپس دنیای این سوی «لا» را با او پشت سر، وی را به آن سوی «الا الله» می‌رساند. در نهایت با کمک نور عشق به سرمنزل واقعی می‌رسد:

ای پنج نوبه کوفته در دار ملک لا لا در چهار بالش وحدت کشد تو را
جولانگه تو زان سوی آلاست گر کنی هژده هزار عالم از این سوی لا رها
از عشق ساز بدرقه، پس هم به نور عشق از تیه لا به منزل الا الله اندرآ

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳)

شاعر به مقام و منزلت «لا» اشاره می‌کند که نفی ماسوی الله است. «محسوس‌ترین خصوصیت زبانی خاقانی پیچیدگی است به حدی که بسیاری از ابیات وی بر فهم دشوار و عاصی می‌شود. هرچند این خصوصیت از شأن شعر می‌کاهد زیرا مخل جزالت و فصاحت و عایق دریافت معنی است ولی اگر در مصدر و علل این قضیه جست‌وجو کنیم شأن خاقانی به شکل دیگری بالا می‌رود» (دشتی، ۱۳۵۷: ۱۹).

در این پژوهش به طریق برجسته شعر سنایی و خاقانی - یعنی تصویرگری با «لا» - با شیوه بکار بستن معیار متناسب در دیوان آن‌ها بررسی می‌گردد. هرچند صورت‌نگری‌های شاعرانه آن‌ها حجیم و گسترده است، لکن در این تحقیق به صورت دانشگاهی به بررسی آفرینش‌های ادبی نو و تازه آن‌ها در پیکره‌های متنوع شکل «لا» با نمونه‌های متنوع پرداخته شده است که امید است با بررسی این ویژگی بتوان به برخی از شالوده‌های ذهنی آن‌ها رسید.

پیشینه تحقیق

بیان شکل، نقش و جایگاه حروف و کلمات جهت خلق مضامین نو در شعر سنایی و خاقانی به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. تا کنون آثار و مقالات متعددی در مورد حروف و واژه‌ها مرتبط با این دو شاعر در شعر فارسی به چاپ رسیده است و هنرنمایی آن‌ها در اشعار به طرق مختلف مورد بررسی قرار گرفته است از جمله این مقالات «آرایش و آفرینش واکی، شیوه‌ای بدیع در آفرینش هنری» (کرمی، ۱۳۸۳)، «اهمیت عدد «سه» با نگاهی به دیوان خاقانی» (شفق، ۱۳۸۸)، «تصویرگری با شکل واج و واژه، مختصه‌ای سبکی در قصاید خاقانی» (مرتضایی، ۱۳۹۲)، «واج آرایی و تکرار در شعر خاقانی» (کرمی، ۱۳۸۳)، «شگردهای هنری خاقانی در تصویرسازی حروف و واژگان» (صالحی) را می‌توان نام برد. اما آنچه در هیچ یک از نوشته‌های فوق به صورت بسیط و مفصل مورد بررسی قرار نگرفته، مبحث «لا» و تصویرگری آن در اشعار این دو شاعر است که در این جستار مورد مذاقه قرار می‌گیرد. بنابراین کاربرد واژه «لا» و شیوه‌های مضمون‌سازی و مضمون‌آفرینی و تصویرگری‌های خلاقانه‌ای که شاعران مورد بحث در مورد آن‌ها شعر سروده‌اند و با استناد به آیات و احادیث، صور فلکی،

تصویرگری‌های مختلف در قصاید و مدح‌ها و تغییرات متنوع در شکل ظاهری «لا» و تشبیه آن به اشکال و صورت‌های گوناگون پرداخته‌اند؛ از مباحث این جستارند.

تصویرگری لا

«تصویر در رایج‌ترین کاربرد عبارت است از «هرگونه تصرف خیالی در زبان»؛ این تعریف هم در بلاغت سنتی و هم در نقد ادبی جدید پذیرفته شده است. عموماً اصطلاح تصویرپردازی را برای کلیه کاربردهای زبان مجازی به کار می‌برند» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۴). آنگاه که قدرت تخیل و نگاه به پدیده‌های اطراف با دید شاعرانه و خیال انگیز پدیده‌ای نو می‌آفریند و خیال به عنوان عنصر اصلی آن جولان می‌کند، تصویرگری زیباتر و دلنشین‌تر می‌گردد. لذا شاعر با بکارگیری توانایی‌هایی چون تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و... به صور مختلف اندیشه‌های خود را منعکس می‌کند که گاه صورتی نو دارد و گاه ممکن است با استنباط از آیات و احادیث، گفته‌های پیشینیان و آداب و رسوم و سنن گوناگون با تکیه بر توانایی‌های خود به خلق مضامین جدید بپردازد و سنایی و خاقانی از جمله این شاعران توانا هستند که تصاویر متنوع از پدیده‌های اطراف خود را منعکس می‌کنند. «از آنجا که هر کسی در زندگی خاص خود تجربه‌هایی ویژه خویش دارد طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه خاصی دارد که ویژه اوست و چنانکه خواهیم دید، نوع تصاویر هر شاعر صاحب اسلوب و صاحب شخصیتی بیش و کم اختصاصی اوست و آن‌ها که شخصیت مستقل شعری ندارند، اغلب از رهگذر اخذ و سرقت در خیال‌های شعری دیگران آثاری به وجود می‌آورند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۲۱). در میان شعرای بزرگ تصویرگری به انحاء مختلف دیده می‌شود و سنایی و خاقانی از جمله شاعرانی هستند که در ابعاد مختلف شعری در این زمینه هنرنمایی کرده‌اند:

ای صدف جوی جوهر الا

جان و جامه به به ساحل لا

(سنایی، ۱۳۲۹: ۷۷)

از ورای خرد سخن زو گو

وردت این بس که لا هو الا هو

(سنایی، ۱۳۲۹: ۱۱۹)

کلمه «لا» به شیوه‌های گوناگون در شعر این دو شاعر جلوه کرده است: گاهی به صورت ترکیبی از افعال عربی در تلمیحات و اشارات مختلف به آیات قرآنی و احادیث و گاهی به عنوان جزئی از عبارت «لا اله الا الله» و فلسفه اثبات وجود حق تعالی و نفی ماسوی الله و گاهی نیز تصویرگری با شکل ظاهری «لا» به صورت‌های مختلف است که خاقانی نمونه بارز آن است «توانایی او در استخدام معانی و ابتکار مضامین از هر قصیده او پدید است، چه این گوینده استاد اگرچه در انجام دوره قصیده سرایی که گذشتگان بیش تر معانی و افکار مناسب آن را به دست آورده و تقریباً برو بوم معنی را رفته بودند ظهور کرد و می‌بایست مانند اکثر هم‌عصران خود از کالای فکر و سرمایه الفاظ پیشینیان مایه‌ای به دست آرد و با تصرف مختصر یا بی هیچ تصرفی بازار سخن خویش را رواجی دهد و گرمی بخشد ولی فکر بلند پرواز و قریحت معنی آفرین و لفظ پرداز او پا از درجه تقلید برتر نهاد و آن معانی و مضامین که قدما از نظم کردن آن به واسطه وجود زمینه‌های روشن تر تن زده یا بر آن ظفر نیافته بودند به نظم آورد و در عرصه شاعری روش و سبکی جدید به ظهور آورد که مدت‌ها سرمشق گویندگان پارسی به شمار می‌رفت» (فروزانفر، ۱۳۸۷: ۶۱۵).

بیش تر مضامین نو و هنرنمایی‌های شاعرانه خاقانی در زمینه «لا» در قصاید او هویداست به علت توجه ویژه‌ای که به لفظ دارد مبتکر نقاشی الفاظ است و به این نقاشی با ابزارهای موسیقی زبان و تصویرگری کلمات زیبایی می‌بخشد. تصویرگری با «لا» در شعر این دو شاعر به صورت‌های مختلف به حالات اشخاص، اشیا و پدیده‌های گوناگون دیده می‌شود و این موضوعی است که آن‌ها در آفرینش تصاویر با بهره‌گیری از زیبایی پدیده‌های پیرامون خود از آن بهره‌جسته و با استفاده از عناصر زمینی و فلکی و با پوشش‌های متنوع این واژه را برای مخاطب نمایش داده‌اند؛ یعنی شاعر با بهره‌گیری از آنچه در اطراف او می‌گذرد، با یک فعل و انفعالات زیبا بازسازی و با تصرفات بیانی از قبیل تشبیه، استعاره و... به خلق یک مضمون و ترکیب زیبا می‌رسد که گاه خواننده برای درک بهتر آن ملزم می‌شود از برخی مسائل فلسفی نجومی و... آگاهی داشته باشد:

به قسطنطین برند از نوک کلکم
حنوط و غالیه موتی و احیا

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۶)

و یا در بیت:

به تثلیث بروج و ماه و انجم

به تربیع و بتسدیس ثلاثا

(همان: ۲۸)

اصطلاحات فلسفی و مفاهیمی چون جوهر و عرض در آثار سنایی نشان از توانایی او در شعر است. در قصاید، در عین مدح بزرگان از مضامین هنری نیز بهره می‌گیرد و به تصویرسازی‌های زیبا می‌پردازد. خاقانی در حذف و اضافه حروف در کلمات مهارت ویژه‌ای دارد که با استفاده از این ترفند، هنر شاعری خود را به نمایش می‌گذارد. گاهی این هنرآفرینی در قالب یک کلمه و معانی و کلمات عمیق و مرتبط با آن است که آن را از لابه‌لای زمان بیرون می‌کشد و گاه حروف را از کلمات برمی‌گزیند و کلام خود را به آن زینت می‌بخشد. گاهی نیز با بهره‌گیری از طبیعت و عناصر موجود در آن برای به تصویر کشیدن «لا» بهره می‌جوید و عالم مافوق را برای خلق مضامین دلنشین خود برمی‌گزیند:

از لا رسی به صدر شهادت که عقل را از لا و هوست مرکب لاهوت زیر ران

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۱۰)

یکی از ویژگی‌های شاعران دوره سنایی و خاقانی، رویکرد تصویرگری است و این ایماژ که شاعری چون خاقانی پیش‌تاز آن است، تصویری شگفت از تمام پدیده‌هایی که گرد شاعر محسوس باشد، در شعر وی دیده می‌شود و این مشخصه‌ای است که سنایی و خاقانی را در مضامین بدیع - که کلمه «لا» نیز از این مقوله دور نیست - از دیگر شاعران قبل از خود جدا می‌نماید به ویژه در شعر وی که این مشخصه به عنوان شالوده اصلی آن ظاهر گردیده است. از دیگر ویژگی‌های شعر خاقانی، تصویرگری با حروف است:

دو اسبه بر اثر لا بران بدان شرطی که رخت نفکنی الا به منزل الا

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۹)

این تصاویر، هرچند در دوره‌های قبل در شعر شاعرانی چون رودکی و منوچهری نمود داشته‌اند، اما در اشعار این دوره پخته‌تر می‌گردد. در نهایت اینکه در ذهن وی کلمات و مفاهیم چه کهنه و چه نو، هیچ‌گاه غبار غربت بر آن‌ها نمی‌نشیند بلکه او با فوران تخیل،

خواننده اشعار خود را مدام مشغول می‌کند و کلمات را با رنگ‌های متنوع تذهیب می‌کند:

ز چار ارکان برگرد و پنج ارکان جوی که هست فایده زین پنج پنج نوبت لا
(خاقانی، ۱۳۸۲:۱۳)

با یک بیت، نمازهای پنج‌گانه، کعبه، چهار گوشه کعبه، چهار یار پیامبر، نماز، پنج نوبه کوفتن، اذان، لا اله الا الله و نفی ماسوی الله را به ذهن خواننده متبادر می‌کند. «آنچه شعر در نفس انسان برمی‌انگیزد البته ممکن است که یک حس زیبایی باشد یا زشتی یک عاطفه شدید باشد یا یک درد مستمر اما شرط اصلی قبول شعر همینجاست. شعر وقتی از قبول خاطر بهره مند می‌شود که در نفوس بیش‌تری تأثیر کند. شاعر هر قدر بیش‌تر در بین عامه برای خود هم‌درد پیدا کند همانقدر قبولش بیش‌تر است» (زرین کوب، ۱۳۶۳:۲۴).

هرچند قصیده در قرن ششم نهایت اوج خود را می‌پیماید، ولی خاقانی با ویژگی خاص بیان خود در میان شاعران سبک آذربایجانی، شاعری است که با استفاده از موسیقایی زیبا، ترکیبات شگفت، واج آرای، موسیقی متنوع شعر، دشواری‌های گوناگون کلام؛ با بکار بردن اصطلاحات غریب، استعاره‌های نو، کنایات بعید، داستان‌ها و اساطیر، اصطلاحات نجومی، اصطلاحات شطرنج، تصویرگری‌های بدیع و دانش‌های گوناگون و...، سبک و سیاق خود را قدری از دیگر شاعران جدا نموده است. گاهی علاوه بر اندیشه‌های عقلی و حکمی در اشعار سنایی تفکرات فلسفی نیز آمیخته است که خواننده ممکن است در نگاه اول تصور کند شاعر در مضمون سازی‌ها و بدایع هنری توانایی چندانی ندارد، بلکه شعر و حکمت و تصوف در شعر وی با هم تجلی می‌کنند.

«خیال یا تصویر حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵:۱۷). نوعی از تصویرگری در شعر که با تغییر واج‌ها و قرار گرفتن واژه‌ها به صورتی بدیع در نظم، علاوه بر تازگی، نمونه‌ای از مضمون آفرینی‌های شگفت و از ابداعات شاعری است که معمولاً در شعر شاعران دوره عراقی دیده می‌شود و عمق این ابتکارات را می‌توان در نوآوری‌های خاقانی و سنایی در شکل و جابه‌جایی حروف و کلماتی از جمله «لا» و مضمون آفرینی‌های شگفت با عبارت زیبایی «لا اله الا الله»

جست. «در عام‌ترین مفهوم «تصویر» بر کل زبان مجازی اطلاق می‌شود؛ یعنی آن بخش از کاربردهای خلاق و هنری زبان که از رهگذر تصرّفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۱). یکی از موارد صورت‌گیری خاقانی و سنایی با کلمه «لا» بکار بردن آن در قالب تشبیه است.

۱. تشبیه ظاهری لا

تشبیه، ابزار آفرینش خیال در شعر است. «دقت در توصیف که موجد تشبیه‌های غریب و تعبیرهای بی‌سابقه است، و غور در مناسبات لفظی و معنوی که سبب ابداع معانی نو و صنایع بدیع می‌شود، از مزایای طرز اوست و حتی در بیان مضامین عادی و مشترک، با پدید آوردن تنوع در تعبیر، چندان تصرف می‌کند که آن معانی را چون مضامین اختراعی خویش جلوه می‌دهد. این نکته گاه منتهی می‌شود به اینکه سخن وی زیاده مشکل و غریب جلوه می‌کند» (زرین کوب، ۱۳۳۵: ۱۶۶). در اشعار خاقانی اغلب تشبیهات بدیع و نو هستند. تشبیه جزء اصلی ایماژ در شعر فارسی و خلق یک اثر شاعرانه است. بنابراین لازمه رسیدن به زیبایی شناسی هنری در یک اثر دقت نظر و ابتکاری است که شاعر در تشبیه و زیر مجموعه‌های آن به کار می‌برد. بکار بردن خلاقیت‌های هنری و ترفندهای شاعری، نکته‌هایی هستند که شاعران برای جلب توجه خوانندگان با ظهور تصویرگری و مضمون سازی متناسب با دید شاعر به کار می‌برند. لذا هرچقدر بتوانند شیوه‌ای به کار گیرند که برای مخاطب جذابیت بیش‌تری داشته باشد، اثرپذیری شعر در مخاطب بیش‌تر خواهد بود. تشبیه با عناصر خاص شیوه‌ای است که خاقانی و سنایی در سبک و سیاق خود در شعر از آن استفاده کرده‌اند. شاعران آذربایجان در اشعار خود از جملات و کلمات عربی به وفور استفاده کرده‌اند و ضرورت مدح شاهان و وزیران، وصف طبیعت، مدح و رثای اهل بیت (ع) و بزرگان دین و... باعث شده تا در اکثر اشعارشان به این امر توجه داشته باشند. در اشعار عربی، این شاعران به همان سبک و سیاق عربی با کلمه «لا» مضمون آفرینی کرده‌اند که بسامد کاربرد «لای نفی جنس» و «لای نهی» افعال عربی در آن بیش‌تر دیده می‌شود:

قبحا لمن قال: لا سخاء لها فجاد ربی سخاء بغداد

اف لمن قال :لا وفاء لها
فمدّ ضیعی وفاء بغداد
ان غاض ماء السخاء عندکم
لا باس فالورد ماء بغداد
(خاقانی، ۱۳۸۲:۹۵۱)

تشبیه صلیب

این دو شاعر گاه تشبیه خود را به حدی زیبا و مناسب به کار می‌برند که احتمال اینکه برای بار اول از این گونه تشبیه استفاده شده است، زیاد است:

از پی عشق صورت لا را قبله‌ای ساخته چلیپا را
(سنایی، ۱۳۱۶:۲۳)

از آنجا که مادر خاقانی مسیحی نسطوری بوده است، یکی از علل ارتباط زیاد این شاعر با مسیحیت را می‌توان ترسا بودن مادر وی قلمداد کرد. بنابراین اصطلاحات مسیحی در شعر او به وفور دیده می‌شود که خاقانی نیز با تصویرگری‌های خلاقانه «لا» را به شکل صلیب به تصویر کشیده است:

بالا برآر نفس چلیپا پرست از آنک عیسی توست نفس و صلیب است شکل لا
(خاقانی، ۱۳۸۲:۱۶)

تشبیه به اژدها

«بهره ور شدن از اساطیر، به ویژه در تصویرهای شعری گویندگان قدیم، یکی از مباحث قابل ملاحظه‌ای است که می‌تواند موضوع بررسی وسیعی قرار گیرد. در شعر فارسی، شاعران در ادوار مختلف، نگرش‌های گوناگون به اساطیر داشته‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵:۲۳۷). در ایران باستان افسانه‌های متعددی درباره اژدها وجود دارد و این نمود از طریق اساطیر به اشعار شاعران دوره‌های بعدی انتقال یافته و اژدها کشی و گذر از سد اژدها به صور مختلف بیان شده که خاقانی و سنایی نیز از این واژه در شعر خود بهره لازم را برده‌اند. روبه‌رو شدن با اژدها می‌تواند نمادی از رویارویی با واقعیت‌های متضاد زندگی انسان باشد و انسان با عبور از این مانع می‌تواند به خانه اصلی خویش دست یابد. کلمه «لا» علاوه بر کاربردهای مختلف در قالب تشبیه در شعر خاقانی زیبا

توصیف شده است. مشخصه تشبیه در اشعار خاقانی و سنایی، پیچیدگی مطلب و یا ضرورت آگاهی از برخی مسائل فلسفی، علمی، نجومی و... است. ویژگی بارز یک شاعر برجسته نیز همین است: «اما شاعر باید سلیم الفطره، عظیم الفکره، صحیح الطبع، جید الرویه، دقیق النظر باشد، در انواع علوم متنوع باشد و در اطراف رسوم مستطرف، زیرا چنانکه شعر در هر علمی بکار همی شود هر علمی در شعر بکار همی شود» (نظامی عروضی، ۱۳۶۴: ۴۷). از دیگر جلوه‌های زبانی خاقانی و سنایی جان بخشیدن به عناصر بی‌جان و کاربرد آن‌ها در شیوه‌های بدیع است که کلمه «لا» نیز از این قاعده مستثنی نیست:

بی حاجبی لا به در دین مرو که هست دین گنج خانه حق و لا شکل اژدها
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳)
در بیت زیر نیز آن را اژدهای دوسری می‌داند که هر شرک و شک را در راه اثبات
«لا الله» می‌بلعد:

لا زان شد اژدهای دوسر تا فرو خورد هر شرک و شک که در ره الا شود عیان
(همان: ۳۱۰)

۲. تشبیه بلیغ

هرگاه قدرت تخیل و تجربه‌های یک نویسنده از پدیده‌های اطراف خود به صورت شاعرانه بیان می‌شود، سبکی تازه می‌آفریند که در آن تشبیه به عنوان یکی از ستون‌های اصلی این تصویرگری جلوه می‌نماید. پرکاربردترین و رساترین نوع تشبیه که در شعر اغلب شاعران بر ارزش و اهمیت خیال پردازی‌های آن‌ها افزوده است، تشبیه بلیغ است که این دو شاعر نیز شعر خود را با این قسم تشبیه که هیچ یک از اجزای تشبیه به صورت ظاهر در آن آشکار نیست، با کلمه «لا» ترکیبات زیبا خلق کرده‌اند:

از عشق ساز بدرقه پس هم به نور عشق از تیه لا به منزل الا الله اندر آ
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳)

گر در سموم بادیه لا تبه شوی آرد نسیم کعبه الا اللهت شفا
(همان: ۳)

سنایی هم در یک تصویرگری از کلمه «لا»، لازمه رسیدن به «الا الله» را جارو کردن راه با «لا» می‌داند:

تا به جاروب لا نروبی راه
کی رسی در سرای الا الله
(سنایی، ۱۳۸۲: ۳۹)

بر چنین بالا مپر گستاخ کز مقراض لا
جبرئیل پر بریدست اندرین ره صد هزار
(سنایی، ۱۳۸۱: ۱۳۳)

عالمی بیمار غفلت بود اندر راه لا
حق ترا از حقه تحقیق فرمودش: نعم
(همان: ۲۰۶)

تشبیه به شخص کمر بسته

کمر بستن که به نوعی آمادگی یا اظهار لبیک برای انجام امور است نیز در اشعار این دو شاعر توانا نیز نمود پیدا کرده است:
نیابی خار و خاشاکی در این ره چون به فراشی

کمر بست و به فرق استاد در حرف شهادت لا
(همان: ۵۸)

از گه عهد الست چیره زبان در بلی
پیش در لا اله بسته میان همچو لا
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۶)

تشبیه به چراغ

شاعر به کمک خیال و قدرت تصویرگری می‌تواند به توصیف عوالم محسوس به شیوه‌ای زیبا و دلنشین پردازد و لازمه تصویرگری داشتن قدرت تخیل است. لذا با کمک تخیل و بکار بردن آرایه‌های ادبی منسجم است که می‌تواند اثر را ارتقا دهد. «وقتی سبکی تغییر می‌کند بیش‌ترین تغییر در تشبیه و استعاره صورت می‌گیرد زیرا نگرش هنرمند به جهان که بیش‌تر در وجه شبه رخ می‌نماید دچار دگرگونی می‌شود»

(شمیسا، ۱۳۷۰:۱۳۷). دوره‌ای که سنایی و خاقانی در آن زندگی می‌کنند، دوره بیان اصطلاحات و تعبیر پیچیده در قصیده است و علومی چون نجوم و تأثیر زیاد صور فلکی، در باورها و عقاید مردم و جلوه‌های اساطیری آن‌ها در افکار مردمان این عصر، باعث می‌شد که اجرام سماوی در شعر این شاعران به ویژه خاقانی گسترده باشد. بنابراین به سبب خیال انگیز بودن تشبیه و استعاره در این پوشش شعری نمایان شده‌اند:

موکب شاه اختران رفت بکاخ مشتری

شش مهه داده ده مهش قصر دوازده دری
(همان: ۴۲۲)

در بیت زیر «لا» را چراغی معرفی می‌کند که روشن کننده دل است:

هر چه جز نور السموات از خدای آن عزل کن

گر تو را مشکات دل روشن شد از مصباح لا
(همان: ۱)

تشبیه به دندان کلید

سنایی و خاقانی شیوه ابداعی خاص خود دارند. آن‌ها با کمک قدرت تخیل در تزیین اشعار خود بهره کافی را برده‌اند. سنایی در مدحیات، قلندریات و مثنوی‌ها در کنار مفاهیم عارفانه و زاهدانه خود موضوعات اخلاقی و تعلیمی را زیبا به تصویر کشیده است. خاقانی نیز در این شیوه‌های ابداعی دستی داشته است او در تشبیهات خود تصویرگری خلاقانه را به کار برده است. چنانکه در بیت زیر «لا» را به دندان کلید تشبیه کرده است:

دروازه سرای ازل دان سه حرف عشق دندان کلید ابد دان دو حرف لا
(همان: ۳)

تشبیه به دروازه

از در دروازه لا تا به دارالملک شاه هف هزار و هفصد و هفتاد راه و رهنست

(سنایی، ۱۳۸۱:۳۷۳)

تشبیه به الف سرنگون

سنایی با استفاده از صور خیال به مدد تشبیهات، استعاره‌ها، آرایه‌های لفظی و معنوی، عوالم محسوس و نامحسوس و محیط پیرامون خود را به زیبایی به تصویر کشیده است:

گاه تاج از سر همی انداخت شین بر سان سین

گاه پیشم سرنگون می‌شد الف مانند لا

(سنایی، ۱۳۸۱: ۶۵)

همچو لا شد سرنگون آن کس که او را گفت «لا»

وز سعادت با نعم شد آنکه گفت او را «نعم»

(همان: ۲۰۱)

تشبیه به شکل قیچی

بر چنین بالا مپر گستاخ کز مقراض لا
جبرئیل پر بریدست اندرین ره صد هزار

(همان: ۱۳۳)

تشبیه به جاروب

پس به جاروب «لا» فرو روبیم
کوکب از صحن گنبد دوار

(همان: ۱۳۶)

تشبیه به نهنگ

زان که در قعر بحر الا الله
لا نهنگی ست کفر و دین او بار

(همان: ۱۳۸)

تشبیه به چوبه دار

زان که کردست قهر الا الله
عقل را بر دو شاخ لا بردار

(همان: ۱۳۹)

تشبیه به شربت

شربت لا بر امید درد الا الله کشیم

و آنچه آن طوفان نوح آورد در طوفان کنیم
(همان: ۲۲۲)

۳. نمادگرایی

«نماد یا رمز یکی از ابزارهای اساسی برای انتقال معنی مورد نظر توسط شاعر است. نمادها قابلیت تأویل و تفسیرهای مختلفی را دارند» (بسیسو، ۱۹۹۹: ۲۳۳). نماد نوعی انتقال مطلب و مبحث مورد نظر شاعر در ادوار مختلف شعر فارسی به عنوان یک پارامتر مناسب برای تصویرگری‌های خلاقانه شاعران بوده که به این طرز بکارگیری کلمات علاوه بر معنی اصلی خود در کاربرد دیگری است که به آن‌ها نماد گفته می‌شود. سنایی و خاقانی نیز از قدرت شاعرانه خود در این زمینه هنرنمایی کرده‌اند:

نماد ضلالت

عالمی بیمار غفلت بود اندر راه لا حق ترا از حقه تحقیق فرمودش: نعم
(سنایی، ۱۳۸۱: ۲۰۶)

باز سایل را در هر دو جهان دوزخش «لا» و بهشتش «نعم» ست
(همان: ۷۷)

نماد هدایت

لا را ز لات باز ندانی به کوی دین گر بی چراغ عقل روی راه انبیا
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۶)

خرقه‌داران تو مقبول چو لا بد سگالان تو معزول چو لات
دو اسبه بر اثر لا بران بدان شرطی که رخت نفکنی الا به منزل الا
(همان: ۹)

نماد اذان

- ز چار ارکان برگرد و پنج ارکان جوی که هست فایده زین پنج پنج نوبت لا
(خاقانی، ۱۳۸۲:۱۳)
- ندای هاتف غیبی ز چار گوشه‌ی عرش صدای کوس الهی به پنج نوبه لا
(همان، ۱۳۸۲:۲۹)
- زخمه اخلاص اندر صدر جان بر نوای لا الا خواهم زدن
(سنایی، ۱۳۸۱:۲۴۹)
- ای پنج نوبه کوفته در دار ملک لا لا در چهار بالش وحدت کشد تو را
(خاقانی، ۱۳۸۲:۳)

۴. «لا» برای مبارزه با هوای نفس و نیستی و فنا

گاهی هدف شاعر، مبارزه با نفس برای دستیابی به فناء فی الله و بقاء بالله است. «می‌توان گفت که هیچ اندیشه‌ای از اندیشه‌های مرکزی عالم تصوف وجود ندارد که رگه‌ای از آن در شعر سنایی انعکاس نیافته باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲:۴۳). در ابیات زیر سالک از همه تعینات شخصی، تعلقات مادی فانی و ترک منیت تا اراده وی در اراده خداوند محومی گردد و پس از فنای افعالی و صفاتی ذاتی است که نور حق متجلی می‌گردد:

- دست اندر لام لا خواهم زدن پای بر فرق هوا خواهم زدن
(سنایی، ۱۳۸۱:۲۴۹)
- از لا رسی به صدر شهادت که عقل را از لا و هوست مرکب لاهوت زیر ران
(خاقانی، ۱۳۸۲:۳۱۰)
- لا حاجبی است بر در الا شده مقیم کو ابلهان باطله را می‌زند قفا
(خاقانی، ۱۳۱۶:۱۴)

«به عقیده سنایی شهادت گفتن تنها این نیست که لفظ «لا اله الا الله» را بر زبان آورند بلکه آن است که در نهایت به نفی «ما سوی الله» انجامد. نفی همه کاینات عالم که هستی آن‌ها نمود و سایه ایست از حقیقت حق. از نظر او «لائی» که در لفظ شهادت

وجود دارد همه چیز از جمله جاه و مقام را نیز از میان برمی‌گیرد: بر در بوستان الا الله / برکش و نیست کن قبا و کلاه» (طغیانی اسفرجانی، ۱۳۸۶: ۳۴).
در شعر سنایی گاهی اسماء و صفات در معرفت ذات حق دست خالی و بی بضاعت‌اند:
لا و هو زان سرای روز بهی
بازگشتند جیب و کیسه تهی
(سنایی، ۱۳۸۲: ۳۲)

۵. شکل حروف

سنایی و خاقانی با الفاظ زیبا، معانی لطیف و دلنشین تصویرهایی نیکو از اشیاء پیرامون خود ارائه نموده‌اند و خاقانی اگر در شعر به لفظی برخورد کند گونه‌های متنوع مضامین نو با آن می‌آفریند. برداشتن حروف از ساختمان کلمه و آفرینش مضمون تازه از باقی مانده کلمه؛ ویژگی‌ای است که در شعر بسیاری از شاعران به ویژه سنایی و خاقانی بسیار دیده می‌شود:

گاه تاج از سر همی انداخت شین بر سان سین

گاه پیشم سرنگون می‌شد الف مانند لا
(سنایی، ۱۳۸۱: ۶۵)

تا با کنون لائیان بودند خلقان چون ز عدل

یک الف در لا در افزودند الایی شدند
(همان: ۱۱۰)

۶. ترکیب وصفی

بسیاری از ترکیب‌های وصفی در اشعار فارسی ترکیبی از اسم و ریشه فعل هستند. واژه «هرزه» در اشعار سنایی و خاقانی فراوان به کار رفته است. اما از کلمه «لا» در ترکیب وصفی در چند مورد فقط ترکیب «هرزه لا» به کار برده‌اند که معمولاً به صورت معطوف و یا صفتی برای یک صفت دیگر از آن استفاده کرده‌اند:

مسیحم که گاه از یهودی هراسم
گه از راهب هرزه‌لا می‌گریزم

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۸۹)

- هر که او شعر ترا گوید جواب از اهل عصر نزد عقل آنکس نماید یافه گوی و هرزه لا
(سنایی، ۱۳۸۱: ۵۰)
- گر ترا طعنی کنند ایشان مگیر از بهر آنک مردم بیمار باشد یافه گوی و هرزه لا
(همان: ۴۷)
- غورک بی مغز را صفرا بشورید و بگفت کی مموه باژگونه یافه گوی هرزه لا
(همان: ۵۵)

نتیجه بحث

سنایی و خاقانی از شاعران نامدار عصر خود به روابط واجی کلمات و ارتباط آن‌ها با یک دیگر توجه ویژه داشته‌اند. مضمون آفرینی در اشعار این دو شاعر، پربار و غنی است و اگر مضامین شعری آن‌ها را در زمینه کلمه «لا» بررسی کنیم؛ درمی‌یابیم که غالباً هر جا کلمه مستقل به کار رفته نفی ماسوی الله به اعتبار جمله «لا اله الا الله» است و به ندرت در معنای ظاهری آن ذکر شده است. دیگر اینکه هر جا تصویرسازی صورت گرفته، بیش‌تر در قالب تشبیه بلیغ نمودار شده است. هر چند این شاعران در کاربرد کلمات در بیش‌تر موارد از قدما بهره جسته‌اند، اما گاهی به آن‌ها شخصیت‌های مختلفی بخشیده‌اند و برای خلق زیبایی‌های هنری نهایت بهره را برده‌اند. تصویرگری با واژه «لا» از ویژگی‌های بارز سنایی و به تبع آن خاقانی است که در جلوه‌های گوناگون و به صورت مختلف از جمله تشبیه، استعاره و... به کار رفته که می‌توان تصویرگری با حروف را نوعی ویژگی سبک در شعر این شاعران به حساب آورد.

کتابنامه

- براهنی، رضا. ۱۳۴۴ش، **طلا در مس**، تهران: چاپخانه چهر.
- بسیسو، عبدالرحمان. ۱۹۹۹م، **قصیده القناع فی الشعر العربی المعاصر**، الطبعة الاولى، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل. ۱۳۱۶ش، **دیوان**، به تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: چاپخانه سعادت.
- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل. ۱۳۸۲ش، **دیوان**، به کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی، تهران: زوار. دشتی، علی. ۱۳۵۷ش، خاقانی شاعری دیرآشنا، تهران: امیرکبیر.
- رضایی حمزه کندی، علیرضا و وحید. ۱۳۸۹ش، **آفتاب نهان خاقانی**، چاپ اول، ارومیه: بوتانشر.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۳ش، **شعر بی دروغ، شعر بی نقاب**، چاپ چهارم، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۲۵۳۵، **با کاروان حله**، چاپ سوم، تهران: انتشارات جاویدان.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. ۱۳۱۶ش، **سیر العباد الی المعاد**، تصحیح سعید نفیسی، تهران: چاپخانه آفتاب.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. ۱۳۲۹ش، **حدیقة الحقیقة وشریعة الطریقة**، تصحیح مدرس رضوی، تهران: سپهر.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. ۱۳۸۱ش، **دیوان**، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: نشر آزادمهر.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. ۱۳۸۲ش، **حدیقة الحقیقة وشریعة الطریقة (فخری نامه)**، تصحیح مریم حسینی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۲ش، **تازیانه‌های سلوک**، تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۵ش، **صور خیال در شعر فارسی**، چاپ ششم، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۰ش، **بیان**، تهران: انتشارات فردوس.
- طغیانی اسفرجانی، اسحاق. ۱۳۸۶ش، **شرح مشکلات حدیقه سنایی**، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- فاطمی، سیدحسین. ۱۳۶۴ش، **تصویرگری در غزلیات شمس**، تهران: سپهر.
- فتوحی رود معجنی، محمود. ۱۳۸۵ش، **بلاغت تصویر**، تهران: سخن.
- فروزانفر، محمد حسن. ۱۳۸۷ش، **سخن و سخنوران**، تهران: زوار.
- نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی. ۱۳۶۴ش، **چهار مقاله**، تصحیح محمد قزوینی، تهران: ارمغان.

Bibliography

- Braheni, Reza 1965, *Gold in Copper*, Tehran: Chehr Printing House.
- Basiso, Abdul Rahman 1999, *Ode to Conviction in Contemporary Arabic Poetry*, First Edition, Beirut: Al-Arabiya Foundation for Studies and Publishing.
- Khaghani Sherwani, Afzaluddin Badil. 1937, *Divan*, edited by Ali Abdolrasouli, Tehran: Saadat Printing House.
- Khaghani Sherwani, Afzaluddin Badil. 2003, *Divan*, by Dr. Zia-ud-Din Sajjadi, Tehran: Zavar.
- Dashti, Ali 1978, *Khaghani, a late poet*, Tehran: Amirkabir.
- Rezaei Hamzeh Kandi, Alireza and Vahid. 2010, *Aftab Nahan Khaghani*, first edition, Urmia: Buta Publishing.
- Zarrinkoob, Abdul Hussein 1984, *Poetry without lies, poetry without masks*, fourth edition, Tehran: Javidan Publishing Organization.
- Zarrinkoob, Abdul Hussein 2535, *with the caravan of Hillah*, third edition, Tehran: Javidan Publications.
- Sanai, Abu al-Majd Majdud bin Adam. 1316, *Sir al-Ibad al-Ma'ad*, edited by Saeed Nafisi, Tehran: Aftab Printing House.
- Sanai, Abu al-Majd Majdud bin Adam. 1950, *Hadiqah al-Haqiqah and Shari'a al-Tariqah*, edited by Modarres Razavi, Tehran: Sepehr.
- Sanai, Abu al-Majd Majdud bin Adam. 2002, *Divan*, edited by Badi-ol-Zaman Forouzanfar, Tehran: Azadmehr Publishing.
- Sanai, Abu al-Majd Majdud bin Adam. 2003, *Hadiqa al-Haqiqa wa Sharia al-Tariqah (Fakhrinamih)*, edited by Maryam Hosseini, first edition, Tehran: University Publishing Center.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. 1993, *Behavior Whips*, Tehran: Agah.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. 1996, *Images of Imagination in Persian Poetry*, Sixth Edition, Tehran: Agah.
- Shamisa, Sirus. 1991, *Bayan*, Tehran: Ferdows Publications.
- Toghyani Asfarjani, Ishaq. 2007, *Description of the problems of Hadigheh Sanai*, University of Isfahan Press.
- Fatemi, Seyed Hussein 1985, *Illustration in Shams Ghazals*, Tehran: Sepehr.
- Fotuhi Rud Majani, Mahmoud. 2006, *Picture Rhetoric*, Tehran: Sokhan.
- Forouzanfar, Mohammad Hassan 2008, *Sokhan and Sokhanvaran*, Tehran: Zavar.
- Nezami Oroozi Samarkandi, Ahmad Ibn Umar Ibn Ali. 1985, *four articles*, edited by Mohammad Qazvini, Tehran: Armaghan.

Comparative Literature Studies, Fifteenth Year, No. 58, Summer 2021; Pp. 311-330

Illustration of "La" in the poetry of Sanai and Khaghani

Date of Received: April 25, 2018

Date of Acceptance: October 22, 2018

Afshar Azizi Dolatabadi

PhD student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Doroud Branch, Iran. iliaazizy@gmail.com

Ali Hossein Razani

Assistant Professor Islamic Azad University, Doroud Branch, Iran. Dr_razani@yahoo.com

Kobra Bahmani

Assistant Professor Islamic Azad University, Doroud Branch, Iran.

Alireza Fatemi

Assistant Professor Islamic Azad University, Doroud Branch, Iran. Corresponding author: Afshar Azizi Dolatabadi

Abstract

Thematic creation and illustration of poets with letters has a long history. Most poets have done their best to use letters in illustrations to create themes in a beautiful and exhilarating way. Every poet, in turn, has taken steps in inventing and creating new wonders, innovations and special creations in this valley. Sanai and Khaghani are among the poets who have achieved this art with their poetic talent; in a way that immerses the reader in thinking about creating amazing images. They have created wonders by using phenomena and using symbolic and mythical meanings of what they have seen in their environment. These two poets with unique characteristics, one of which is the creation of beautiful themes and illustrations with words and letters, and by doing so, while innovation and creativity; have increased the importance of their poetry.

Keywords: Sanai, Khaghani, Innovation, Theme Creation, Imagination.